**بررسی ارتباط بین اعتبار تجاری، عدم تقارن اطلاعاتی، نقد شوندگی هزینه‌ها و کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت‌ها**

**چکیده**

اعتبار تجاری بنگاه‌های اقتصادی از موضوعات مهم نوین شرکت‌ها می‌باشد. در این پژوهش به بررسی ارتباط بین اعتبار تجاری، عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت‌ها پرداخته می‌شود. متغیر وابسته این پژوهش اعتبار تجاری شرکت‌ها و متغیرهای مستقل کیفیت اطلاعات حسابداری، عدم تقارن اطلاعاتی و نقد شوندگی هزینه‌ها می‌باشند. پژوهش در بازه زمانی سال‌های 1391 تا 1395 برای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. برای برازش سه فرضیه پژوهش به متغیرها از یک مدل رگرسیونی و نرم‌افزار آماری EVIEWS نسخه 8 استفاده شده است. نتایج تجزیه‌وتحلیل‌های پژوهش نشان می‌دهد بین کیفیت اطلاعات حسابداری و درجه اعتبار تجاری شرکت‌ها ارتباط معنی‌داری وجود دارد؛ همچنین نتایج پژوهش نشان داد ارتباط بین کیفیت اطلاعات حسابداری و درجه اعتبار تجاری شرکت‌ها برای شرکت‌های با هزینه نقد شوندگی موجودی کمتر، بیشتر است. علاوه بر این نتایج نشان دادند بین عدم تقارن اطلاعاتی و درجه اعتبار تجاری شرکت‌ها ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

**واژگان کلیدی: اعتبار تجاری شرکت‌ها، عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت اطلاعات حسابداری، نقد شوندگی هزینه‌ها، بورس اوراق بهادار تهران**

**مقدمه**

يكي از موضوعات مهم در فرآيند ارزش آفريني شركت، بحث سرمایه‌گذاری است كه با موضوعاتي همچون عدم تقارن اطلاعاتي و مشكلات نمايندگي ارتباط عميقي دارد (يو و همكاران، 2012). اعتقاد بر اين است كه عدم تقارن اطلاعاتي، به اصطكاك بازار و عدم توانایی برای جذب سرمایه، می‌افزاید (فازاري وهمكاران، 1998).

مطالعات پیشین استدلال می‌کنند که با توجه به عدم تقارن اطلاعات، مؤسسات مالی و سرمایه‌گذاران سهام به اطلاعات حسابداری برای ارزیابی ریسک شرکت تکیه می‌کنند. گزارشگری مالی با کیفیت بالا به ارائه‌دهندگان خدمات به‌منظور ارزیابی ریسک اعتباری شرکت‌ها کمک می‌کند و بنابراین عدم تقارن اطلاعات را کاهش می‌دهد و بنابراین ارائه‌دهندگان سرمایه بیشتر مایل (عدم تمایل) به تأمین مالی برای شرکت‌هایی با کیفیت بالا (کم) هستند (بیتی و همکاران، 2010؛ بیدل و هیلاری، 2006؛ بیدل و همکاران، 2009؛ گارسیا و همکاران، 2011؛ گورملی و همکاران، 2012).

برخلاف مؤسسات مالی، تأمین‌کنندگان مزایای نسبی در تأمین مالی شرکت‌هایی با کیفیت حسابداری کم دارند، زیرا آنها صرفاً بر اطلاعات مالی متکی نیستند تا عدم تقارن اطلاعات را با مشتریان خود کاهش دهند.

به‌جای آن، تأمین‌کنندگان می‌توانند به‌طور مستقیم از طریق معاملات روزانه کسب‌وکار اطلاعات مشتریان را به دست آورند و زمانی که مشتریان را به‌طور پیش‌فرض از دست می‌دهند، زیان‌های کمتری را متحمل می‌شوند، زیرا تأمین‌کنندگان می‌توانند موجودی مشتریان خود را با هزینه کم تسویه کنند.

**بیان مسئله**

از آنجا که اطلاعات حسابداری می‌تواند برای پیش‌بینی تقاضای آینده مشتریان و ارزیابی ریسک مشتری مورد استفاده قرار گیرد، تأمین‌کنندگان ممکن است مشتریان با کمترین کیفیت حسابداری را در معرض خطر قرار دهند و بنابراین ممکن است بیشتر مایل به ارائه اعتبار تجاری باشند. در نتیجه، تأمین‌کنندگان، مانند سایر ارائه‌دهندگان تأمین مالی، ممکن است اعتبار تجاری کمتری را برای مشتریانی با کمترین کیفیت حسابداری ارائه دهند (رومن و شهرور، 2008).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌هایی با کیفیت حسابداری بالا بر تأمین مالی سنتی بیشتر متکی به نقدینگی و نیازهای سرمایه‌گذاری خود هستند. با این حال، همان‌طور که توسط آرمسترانگ و همکاران (2010) اشاره کرد، یک سؤال مهم این است که چگونه شرکت‌هایی با کیفیت حسابداری کم، زمانی که اعتبار محدود می‌شود با نیازهای نقدینگی مواجه می‌شوند.

در حالی که بیتی و همکاران (2010) بر تأثیر کیفیت سود بر شرکت‌های درازمدت تأمین مالی سرمایه‌گذاری تمرکز می‌کنند، این پژوهش بحث را عمومیت داده تأثیر آن بر تأمین مالی سرمایه‌گذاری گردش مالی را به‌صورت مستند ارائه می‌دهد. همچنین، یافته‌های پژوهش می‌تواند به تنظیم‌کنندگان استاندارد نیز کمک نماید.

بنابراين با توجه به مطالب بيان شده، در این پژوهش به این مسئله پرداخته می‌شود که آیا بین خصوصیات حسابرس و کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها ارتباط معنی‌داری وجود دارد یا خیر؟

**مبانی نظری و ادبیات پژوهش**

مطالعات پیشین استدلال می‌کنند که اطلاعات مالی با کیفیت بالا باعث کاهش عدم تقارن اطلاعات می‌شود (باتاچاریا و همکاران، 2013؛ لئوز و ورکچیا، 2000)؛ و این‌که سرمایه‌داران خارجی به اظهارات مالی به‌عنوان منبع مهم اطلاعات برای ارزیابی و نظارت بر اعتبار وام‌گیرندگان پایبند هستند (هیئت استانداردهای حسابداری مالی، 2008). مطابق با این استدلال، مطالعات بسیاری نشان می‌دهد که شرکت‌هایی با کیفیت حسابداری کم دسترسی محدود به بدهی و حقوق صاحبان سهام دارند. به‌عنوان مثال، بهاراث و همکاران (2008) نشان می‌دهند که شرکت‌هایی با کیفیت حسابداری کم هزینه‌های بالاتری دارند. به همین ترتیب، فرانسیس و همکاران (2004، 2005) و گارسیا لارا و همکاران (2011) معتقدند که شرکت‌هایی با کیفیت ضعیف حسابداری هزینه‌های بالاتری از بدهی و عدالت دارند. علاوه بر این، گورملی و همکاران (2012) نشان می‌دهند که افزایش محافظه‌کاری حسابداری موجب افزایش دسترسی به شرکت‌های اطلاعاتی مبهم به بازارهای بدهی می‌شود. در یک جریان مرتبط از ادبیات، مطالعات نشان می‌دهد که شرکت‌هایی با کیفیت حسابداری کم، احتمال بیشتری دارند که پروژه‌های مثبت ارزش فعلی را از طریق محدودیت‌های مالی تأمین کنند (بیدل و هلاری، 2006؛ بیدل و همکاران، 2009؛ بوشمن و همکاران، 2011). به‌عنوان مثال، بیدل و هیلاری (2006) نشان می‌دهند که شرکت‌هایی با کیفیت حسابداری ضعیف بیشتر بر جریان‌های نقدی تولید شده داخلی سرمایه‌گذاری می‌کنند و منجر به حساسیت جریان سرمایه‌گذاری بالا می‌شوند. با این حال، هیچ‌کدام از این مطالعات به بررسی اینکه چگونه کیفیت حسابداری بر استفاده از اعتبارات تجاری شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد نمی‌پردازد که این منبع مهمی برای تأمین مالی کوتاه‌مدت است. چن و همکاران (2016) نقش ارتباط شخصی در انتخاب شرکای زنجیره تأمین را بررسی می‌کنند. آنها متوجه می‌شوند که ارتباطات شخصی هنگامی‌که گزارش مالی مشتریان مبهم است، تأثیرگذارتر است.

**رابطه بین کیفیت حسابداری و اعتبار تجاری**

ارائه‌دهندگان مزایای متعددی در غلبه بر عدم تقارن اطلاعات به دلیل روابط نزدیک خود با مشتریان دارند (پترسون و راجان، 1997؛ چوآرتز و ویتکامب، 1974). اولاً، آنها ممکن است دارای اهرم زنجیره تأمین بیش از مشتریان باشند. تأمین‌کنندگان می‌توانند تهدید به کاهش منابع کنند زمانی که اقدامات مشتری موجب افزایش احتمال پیش‌فرض می‌شود. این تهدید به‌ویژه زمانی دارای اعتباراست که مشتریان تأمین‌کنندگان جایگزین کمتری دارند. در مقابل، تهدید از سوی دیگر سرمایه‌گذاران، مانند مؤسسات مالی، برای کاهش سرمایه‌گذاری در آینده، ممکن است فوراً عملیات وام‌گیرندگان را تحت تأثیر قرار ندهد. ثانیاً، تأمین‌کنندگان به دلیل پیش‌فرض‌های مشتری آسیب‌پذیرتر هستند، زیرا نرخ بازیابی در مقایسه با مؤسسات مالی بیشتر است. در صورت وقوع پیش‌فرض، برای تأمین‌کننده، بازدهی کنترل موجودی عرضه‌شده آسان‌تر از آن است که دیگر سرمایه‌گذاران که منافع امنیتی در دارایی‌ها را بازپرداخت کنند. به‌عنوان مثال، تأمین‌کننده تأثیر ورشکستگی مشتریان را با تأخیر در تأیید حقوق بازسازی‌شان، یعنی حق بازگشت و مالکیت به کالاها به فروش برسانند (راورت، 2006). در نهایت، تأمین‌کنندگان ممکن است مزایای کسب اطلاعات را داشته باشند (ترسون و راجان، 1997). با توجه به این مزایا، تأمین‌کنندگان در گزارش‌های مالی مشتریان کمترین تأثیر را برای نظارت و ارزیابی اعتبار خود دارند. در نتیجه، کیفیت حسابداری مشتریان در تصمیمات تأمین‌کنندگان برای گسترش اعتبار تجاری کمتر است. از طرف تقاضا، مشتریانی با کیفیت حسابداری بالا دسترسی بیشتری به سایر منابع مالی و تقاضای کمتری برای اعتبار تجاری خواهند داشت. علاوه بر این، پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ و قابل اعتماد که احتمالاً اطلاعاتی شفاف‌تر هستند، از اعتبار تجاری‌تر ارائه‌شده توسط تأمین‌کنندگان کوچک استفاده می‌کنند (مورفین و نجوروئه، 2015؛ کلاپر و همکاران، 2012).

با توجه به ادبیات و پیشینه پژوهش ارائه‌شده، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر بیان می‌شوند:

فرضیه اول: بین کیفیت اطلاعات حسابداری و درجه اعتبار تجاری شرکت‌ها ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه دوم: ارتباط بین کیفیت اطلاعات حسابداری و درجه اعتبار تجاری شرکت‌ها برای شرکت‌های با هزینه نقد‌شوندگی موجودی کمتر، بیشتر است.

فرضیه سوم: بین عدم تقارن اطلاعاتی و درجه اعتبار تجاری شرکت‌ها ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

**روش پژوهش**

**متغیرهای پژوهش**

متغیر وابسته این پژوهش اعتبار تجاری می‌باشد. اعتبار تجاری به درجه اعتبار شرکت نسب به دریافت سرمایه گفته می‌شود که در نتیجه با طرف حساب حساب‌های پرداختنی تجاری ارزیابی می‌شود. این متغیر در این پژوهش از طریق تقسیم حساب‌های پرداختنی تجاری شرکت i در سال t بر کل دارایی‌های آن محاسبه می‌گردد (پترسن و راجان، 1997؛ جیانتی و همکاران، 2011). متغیرهای مستقل پژوهش حاضر، عدم تقارن اطلاعاتی است. به‌منظور محاسبه عدم تقارن اطلاعاتی از مدل ارائه‌شده توسط وينکتاش و چیانگ (1986) استفاده شده است. با استفاده از اين مدل می‌توان دامنه قیمت پیشنهادی خريد و فروش سهام را تعیین نمود. اين مدل به شرح زير است:

که در آن:

:SPREAD دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خريد و فروش سهام

D: تعداد روزهای معاملاتی در طول سال

:(ASKPRICE) AP در i میانگین بهترين قیمت پیشنهادی روزانه فروش سهام شرکت دوره مورد بررسی

:(BIDPRICE) BD در i میانگین بهترين قیمت پیشنهادی روزانه خريد سهام شرکت دوره مورد بررسی

**نوع پژوهش**

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است. از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی- همبستگی است؛ زیرا از یک‌طرف وضع موجود را بررسی می‌کند و از طرف دیگر رابطه بین متغیرهای مختلف را با استفاده از تحلیل رگرسیون تعیین می‌نماید.

**جامعه و نمونه‌ی آماری**

با کمک روش‌های نمونه‌گیری اقدام به انتخاب نمونه آماری جهت جمع‌آوری اطلاعات و بررسی و آزمون فرضیه‌های می‌پردازیم. اعضای نمونه باید دارای ویژگی‌های منحصر بفردی بوده که در ذیل اشاره می‌شود. اطلاعات این شرکت‌ها برای دوره 5 ساله 1391 تا 1395 مورد بررسی قرار می‌گیرند. نمونه مورد بررسی در این پژوهش از جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب می‌شوند. شرکت‌های نمونه به روش حذف سیستماتیک تعیین می‌شوند بدین‌صورت که اعضایی از جامعه که دارای ویژگی‌های زیر باشند وارد نمونه می‌شوند:

1- تا پایان سال 1390 در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته‌شده باشند.

2- شرکت‌ها نبایستی سال مالی خود را در طی دوره‌های موردنظر تغییر داده باشند.

3- شرکت‌های موردنظر طی دوره پژوهش فعالیت مستمر داشته و سهام آنها مورد معامله قرار گرفته باشد.

4- اطلاعات مالی موردنیاز برای انجام این پژوهش را در دوره زمانی 1391 الی 1395به‌طور کامل ارائه کرده باشد.

5- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و واسطه‌گری مالی نباشند.

در پژوهش حاضر از روش غربالگری (حذفی) جهت تعیین نمونه آماری استفاده می‌گردد. به این ترتیب که شرکت‌های حائز شرایط جامعه آماری به‌عنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار می‌گیرند و سایر شرکت‌ها حذف می‌گردند. پس از اعمال محدودیت‌های فوق بر جامعه آماری، نمونه پژوهش (80 شرکت) به دست آمد.

**متغیرها و مدل پژوهش**

## مدل پژوهش

هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین کیفیت اطلاعات حسابداری و عدم تقارن اطلاعاتی با درجه اعتبار تجاری شرکت‌ها است. لذا برای برازش فرضیات پژوهش طبق لیو و همکاران (2017) از رابطه (1) استفاده می‌کنیم:

که در آن:

***TradeCreditijt = β0 + β1 AQijt + β2 LiquidCostijt + β3 InfoAsymijt + β4 Log(Asset)ijt + β5 log(Age +1)ijt + β6 MktShareijt + β7 POS\_Chgsaleijt + β8 NEG\_Chgsaleijt + β9 ROAijt + β10 MTBijt + β11 PredRatingijt + β12 Leverage ijt + β13 CA ijt + β14CL\_XTradeijt + β15 CashHoldijt + INDUSTRY + YEAR + εit*** رابطه (1)

TradeCredit: اعتبار تجاری شرکت i در سال t که بر اساس مدل لیو و همکاران (2017) به دست می‌آید؛

AQ: کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت i در سال t؛

LiquidCost: هزینه تسویه شرکت i در سال t که از طریق نسبت مواد خام به کل دارایی‌های شرکت به دست می‌آید؛

InfoAsym: تقارن اطلاعاتی شرکت i در سال t؛

log(Age +1): عمر شرکت i در سال t که از طریق لگاریتم عمر شرکت بعلاوه یک به دست می‌آید؛

MktShare: ارزش بازار سهام شرکت i در سال t؛

POS***\_***Chgsale: تغییرات مثبت فروش شرکت i در سال t؛

NEG***\_***Chgsale: تغییرات منفی فروش شرکت i در سال t؛

ROA: بازده دارایی‌های شرکت i در سال t که از طریق نسبت سود خالص به دارایی‌های شرکت به دست می‌آید؛

MTB: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t؛

Leverage: اهرم مالی شرکت i در سال t که از طریق نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها به دست می‌آید؛

CL***\_***XTrade: بدهی‌های جاری شرکت i در سال t که از طریق نسبت بدهی‌های جاری به کل دارایی‌ها به دست می‌آید؛

INDUSTRY: نوع صنعت شرکت i در سال t؛

CashHold: نگهداشت وجه نقد شرکت i در سال t؛

**تجزیه‌وتحلیل و نتیجه‌گیری**

**برازش مدل‌های پژوهش**

اکنون با واردکردن داده‌های پژوهش در نرم‌افزار Eviews اقدام به برازش مدل‌ها می‌کنیم. در این تجزیه‌وتحلیل‌ها برای معنی‌داری و یا عدم معنی‌داری فرضیات باید به p-value خروجی نهایی توجه کرد، اگر p-value یک متغیر کمتر از 05/0 باشد فرضیه صفر پژوهش رد می‌شود.

**آزمون فرضیه‌ اول، دوم و سوم**

در این فرضیات به بررسی این موضوع می‌پردازیم که بین کارایی سرمایه‌گذاری شرکت صاحب‌کار و درجه صلاحیت حسابرس، تخصص صنعت حسابرس و اندازه حسابرس ارتباط معنی‌داری وجود دارد. در ابتدا برای تعیین استفاده از داده‌های پانلی در مقابل داده‌های تلفیقی از آزمون چاو یا F لیمر استفاده می‌کنیم.

**آزمون F لیمر**

فرضیه صفر: مدل رگرسیونی مناسب است.

فرضیه یک: مدل پانلی مناسب است.

نگاره (2): آزمون چاو – فرضیه اول، دوم و سوم

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **p-value** | **آماره آزمون** | **درجه آزادی** |
| 006/0 | 32/14 | 4 |

با توجه به اینکه معنی‌داری آزمون چاو از 05/0 کمتر می‌باشد لذا فرضیه صفر آزمون رد می‌شود و استفاده از مدل پانلی با اثرات ثابت ارجح‌تر می‌باشد.

**آزمون هاسمن**

فرضیه صفر: مدل پانل با اثرات تصادفی مناسب است.

فرضیه یک: مدل پانل با اثرات ثابت مناسب است.

نگاره (3): آزمون هاسمن – فرضیه اول، دوم و سوم

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **p-value** | **آماره آزمون** | **درجه آزادی** |
| 557/0 | 772/7 | 9 |

با توجه به بیشتر بودن معنی‌داری آماره آزمون هاسمن از 05/0 در نتیجه استفاده از مدل پانلی با اثرات ثابت نسبت به مدل پانلی با اثرات تصادفی ارجح‌تر است. اکنون اقدام به برازش مدل با اثرات تصادفی پانلی می‌نماییم. نتایج مشخصات مدل برازش داده‌شده در نگاره (4) و نتایج ضرایب و معنی‌داری متغیرهای مدل در نگاره (5) ارائه‌شده است.

نگاره (4): مشخصات مدل فرضیه اول، دوم و سوم (متغیر وابسته: کارایی سرمایه‌گذاری)

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **ضریب تعیین** | **ضریب تعیین تعدیل‌شده** | **آماره F** | **معنی‌داری مدل** | **آماره دوربین واتسون** |
| 41/0 | 17/0 | 27/1 | 003/0 | 43/2 |

نگاره (5): ضرایب برازش مدل فرضیه اول، دوم و سوم - متغیر وابسته: کارایی سرمایه‌گذاری

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| ***TradeCreditijt = β0 + β1 AQijt + β2 LiquidCostijt + β3 InfoAsymijt + β4 Log(Asset)ijt + β5 log(Age +1)ijt + β6 MktShareijt + β7 POS\_Chgsaleijt + β8 NEG\_Chgsaleijt + β9 ROAijt + β10 MTBijt + β11 PredRatingijt + β12 Leverage ijt + β13 CA ijt + β14CL\_XTradeijt + β15 CashHoldijt + INDUSTRY + YEAR + εit*** | | | | |
| **متغیر** | **ضریب** | **انحراف معیار** | **آماره t** | **P-VALUE** |
| ثابت مدل | 001/0 | 001/0 | 101/0 | 33/0 |
| کیفیت اطلاعات حسابداری | 001-/0 | 001/0 | 336/3- | 002/0 |
| هزینه تسویه | 15/55 | 01/80 | 68/0 | 57/0 |
| تقارن اطلاعاتی | 13/15 | 18/5 | 91/2 | 003/0 |
| عمر شرکت | 23/20 | 37/74 | 27/0 | 96/0 |
| ارزش بازار سهام | 67/30- | 35/49 | 62/0- | 63/0 |
| تغییرات مثبت فروش | 22/51- | 32/41 | 23/1- | 37/0 |
| تغییرات منفی فروش | 03/77 | 99/52 | 45/1 | 19/0 |
| بازده دارایی‌ها | 001/0- | 001/0 | 46/1- | 27/0 |
| نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام | 25/2 | 54/58 | 039/0 | 42/0 |
| اهرم مالی | 3/248 | 49/75 | 28/3 | 000/0 |
| بدهی‌های جاری | 42/0- | 62/0 | 67/0- | 87/0 |
| نوع صنعت | 61/2- | 91/33 | 07/0- | 66/0 |
| نگهداشت وجه نقد | 001/0- | 006/0 | 021/0- | 23/0 |

طبق نگاره (4) ضریب تعیین نشان می‌دهد که 40 درصد از تغییرات متغیر وابسته به‌وسیله متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. معنی‌داری مدل نیز کمتر از 05/0 می‌باشد که نشان از معنی‌دار بودن مدل پژوهش می‌باشد. آماره دوربین واتسون نیز 43/2 می‌باشد که درصورتی‌که بین باز 5/1 تا 5/2 باشد نشان از عدم خودهمبستگی بین باقیمانده‌های خطا می‌باشد که در این مدل به همین صورت می‌باشد.

همان‌طور که در نگاره (5) مشاهده می‌شود ضرایب عرض از مبدأ، کیفیت اطلاعات حسابداری، هزینه تسویه، تقارن اطلاعاتی، عمر شرکت، ارزش بازار سهام، تغییرات مثبت فروش، تغییرات منفی فروش، بازده دارایی‌ها، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، اهرم مالی، بدهی‌های جاری، نوع صنعت، نگهداشت وجه نقد به ترتیب عبارت‌اند از: 001/0، 001-/0، 15/55، 13/15، 23/20، 67/30-، 22/51-، 03/77، 001/0-، 25/2، 3/248، 42/0-، 61/2- و 001/0- که سطوح معنی‌داری برای آنها به ترتیب عبارت‌اند از 33/0، 002/0، 57/0، 003/0، 96/0، 63/0، 37/0، 19/0، 27/0، 42/0، 000/0، 87/0، 66/0 و 23/0 که در نتیجه بین کیفیت اطلاعات حسابداری، تقارن اطلاعاتی و اهرم مالی با اعتبار تجاری رابطه معنی‌داری وجود دارد.

**نتایج آزمون فرضیه‌ها**

اطلاعات حسابداری که شرکت‌ها در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهند به‌طور بالقوه مورد استفاده اعتباردهندگان تجاری به شرکت‌ها نیز قرار می‌گیرد. از طرف دیگر اعتبار تجاری که شرکت‌ها بدین‌وسیله اقدام به کسب سرمایه می‌نمایند تا حد زیادی وابسته به اطلاعاتی است که از وضعیت و شرایط شرکت در اختیار سایر اعتباردهندگان قرار می‌دهند. از لحاظ تئوریک ارتباط بین این دو عامل که کیفیت اطلاعات حسابداری موجب اعتبار بیشتر تجاری شرکت‌ها می‌شود قابل اهمیت می‌باشد. در این پژوهش نیز به بررسی ارتباط بین این متغیرها پرداخته شد. نتایج این پژوهش نشان داد بین کیفیت اطلاعات حسابداری و درجه اعتبار تجاری شرکت‌ها ارتباط معنی‌داری وجود دارد. این موضوع نشان می‌دهد درصورتی‌که شرکتی از اعتبار تجاری برخوردار باشد به هیچ عنوان حاضر به کاهش کیفیت اطلاعات حسابداری ارائه شده در صورت‌های مالی خود نمی‌باشد؛ زیرا عواقب و ضرر و زیان ناشی از آن حائز اهمیت‌تر از منابعی است که شرکت از دست خواهد داد. همچنین فرضیه دوم پژوهش نشان داد ارتباط بین کیفیت اطلاعات حسابداری و درجه اعتبار تجاری شرکت‌ها برای شرکت‌های با هزینه نقد شوندگی موجودی کمتر، بیشتر است. این موضوع نشان می‌دهد شرکت‌هایی که موجودی آنها به‌گونه‌ای است که نقد شوندگی آنها هزینه کمتری به شرکت تحمیل می‌کند، اعتبار تجاری شرکت و کیفیت اطلاعات حسابداری آنها بهبود می‌یابد. همچنین فرضیه سوم پژوهش نشان داد بین عدم تقارن اطلاعاتی و درجه اعتبار تجاری شرکت‌ها ارتباط معنی‌داری وجود دارد. این موضوع نیز نشان می‌دهد درصورتی‌که بین مالکان و مدیران شرکت عدم تقارن اطلاعاتی وجود داشته باشد شرکت اعتبار تجاری خود را از دست خواهد داد. نتایج این پژوهش مشابه با بهاراث و همکاران (2008)، بوشمن و همکاران (2011)، باتاچاریا و همکاران (2013) و چن و همکاران (2016) و مخالف با گارسیا لارا و همکاران (2011) و گورملی و همکاران (2012) می‌باشد.

**منابع و مأخذ**

1. Ahmed, A., B. Billings, R. Morton, and M. Stanford. 2002. The role of accounting conservatism in mitigating bondholder-shareholder conflicts over dividend policy and in reducing debt costs. *The Accounting Review* 77: 867–890.
2. Antov, D., and C. Atanasova. 2007. Trade credit financing: How expensive is it really? Working paper, Northwestern University and Simon Fraser University.
3. Armstrong, C. S., J. Core, D. Taylor, and R. Verrecchia. 2011. When does information asymmetry affectthe cost of capital? *Journal of Accounting Research* 49: 1–40.
4. Armstrong, C. S., G. Wayne, and D. Weber. 2010. The role of information and financial reporting incorporate governance and contracting. *Journal of Accounting and Economics* 50: 179–224.
5. Ball, R., R. Bushman, and F. Vasvari. 2008. The debt-contracting value of accounting information and loan syndicate structure. *Journal of Accounting Research* 46: 247–287.
6. Basu, S. 1997. The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of Accounting and Economics* 24: 3–37.
7. Beatty, A., S. Liao, and J. Weber. 2010. Financial reporting quality, private information, monitoring, and the lease-versus-buy decision. *The Accounting Review* 85: 1215–1238.
8. Beatty, A., J. Weber, and J. J. Yu. 2008. Conservatism and debt. *Journal of Accounting and Economics*45: 154–175.
9. Bharath, S. T., J. Sunder, and S. Sunder. 2008. Accounting quality and debt contracting. *The Accounting Review* 83: 1–28.
10. Bhattacharya, N. H., H. Desai, and K. Venkataraman. 2013. Earning quality and information asymmetry: Evidence from trading costs. *Contemporary Accounting Research* 20: 482–516.
11. Biddle, G., and G. Hilary. 2006. Accounting quality and firm-level capital investment. *The Accounting Review* 81: 963–982.
12. Biddle, G., G. Hilary, and R. S. Verdi. 2009. How does financial reporting quality relate to investment fficiency? *Journal of Accounting and Economics* 48: 112–131.
13. Bushman, R., J. Piotroski, and A. Smith. 2011. Capital allocation and timely accounting recognition of economic losses. *Journal of Business, Finance and Accounting* 38: 1–33.
14. Chen T., H. Levy, X. Martin, and R. Shalev. 2016. Buying Products from Whom You Know: Personal Connections and Information Asymmetry in Supply Chain Relationships. Working paper, New York University.
15. Costello, A. M. 2013. Mitigating incentive conflicts in inter-firm relationships: Evidence from long-term supply contracts. *Journal of Accounting and Economics* 56: 19–39.
16. Dechow, P. M., and I. D. Dichev. 2002. The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The Accounting Review* 77 (Supplement): 35–59.
17. Dechow, P. M., R. Sloan, and A. Sweeney. 1995. Detecting earnings management. *The Accounting Review* 70(2): 193–225.
18. Dichev, I., J. R. Graham, C. R. Harvey, and S. Rajgopal. 2013. Earning quality: Evidence from field study. *Journal of Accounting and Economics* 56: 1–33.
19. Fama, E., and K. French. 1997. Industry costs of equity. *Journal of Financial Economics* 43: 153–193.
20. Financial Accounting Standards Board. 2008. Statement of financial accounting concepts no. 1. Available at: http://www.fasb.org/pdf/aop\_CON1.pdf.
21. Francis, J., R. LaFond, P. Olsson, and K. Schipper. 2004. Costs of equity and earnings attributes. *The Accounting Review* 79: 967–1010.
22. Francis, J., R. LaFond, P. Olsson, and K. Schipper. 2005. The market pricing of earnings quality. *Journal of Accounting and Economics* 39: 295–327.
23. Francis, J., D. Nanda, and P. Olsson. 2008. Voluntary disclosure, earnings quality, and cost of capital. *Journal of Accounting Research* 46: 53–99.
24. Garcia-Appendini, E. 2011. Supplier certification and trade credit. Working paper, Bocconi University.
25. Garcia Lara, J. M., B. Garcia Osma, and F. Penalva. 2011. Conditional conservatism and cost of capital.
26. *Review of Accounting Studies* 16: 247–271.
27. Giannetti, M., M. Burkart, and T. Ellingsen. 2008. What you sell is what you lend? Explaining trade credit contracts. Working paper, CEPR.
28. Gormley, T., X. Martin, and B. Kim. 2012. Do firms adjust their timely loss recognition in response to changes in the banking industry? *Journal of Accounting Research* 50: 159–196.
29. Jones, J. J. 1991. Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research* 29: 193–228.
30. Kisgen, D. J. 2006. Credit Ratings and Capital Structure. *Journal of Finance* 61: 1035–1072.
31. Klapper, L. 2010. The role of “reverse factoring” in supplier financing of small and medium size denterprises. Working paper, The World Bank.
32. Klapper, L., L. Laeven, and R. Rajan. 2012. Trade credit contracts. *Review of Financial Studies* 25: 838 – 867.
33. Leuz, C., and R. E. Verrechia. 2000. The Economic consequences of increase disclosure. *Journal of Accounting Research* 38: 91–124.
34. Murfin, J., and K. Njoroge. 2015. The implicit costs of trade credit borrowing by large firm*. Review of Financial Studies* 28: 112–145.
35. Ng, C. K., J. K. Smith, and R. L. Smith. 1999. Evidence on the determinants of credit terms used in inter firm trade. *The Journal of Finance* 54: 1109–1129.
36. Petersen, M., and R. Rajan. 1997. Trade credit: Theories and evidence. *Review of Financial Studies* 10:661–691.
37. Raman, K., and H. Shahrur. 2008. Relationship-specific investments and earnings management: Evidence on corporate suppliers and customers. *The Accounting Review* 83(4): 1041–1081.
38. Ravert, G. 2006. *A vendor’s guide to bankruptcy*. New York, NY: McDermott Will & Emery LLP.
39. Schwartz, R. A., and D. Whitcomb. 1974. An economic model of trade credit. *Journal of Financial and Quantitative Analysis* 9: 643–657.
40. Stock, J., and M. Yogo. 2005. Testing for weak instruments in linear IV regressions. In *Identification and Inference for Econometrics models: Essays in honor of Thomas Rothenberg*, edited by D. W. K.
41. Andrews, J. H. Stock, 80–118. New York and Cambridge, UK: Cambridge University Press.
42. Stock, J., J. Wright, and M. Yogo. 2002. A survey of weak instruments and weak identification in generalized method of moments. *Journal of Business and Economic Statistics* 20: 518–529.
43. Tan, L. 2013. Creditor control rights, state of nature verification, and financial reporting conservatism. *Journal of Accounting and Economics* 55: 1–22.
44. Teoh, S. H., I. Welch, and T. J. Wong. 1998. Earnings management and the underperformance of seasoned equity offerings. *Journal of Financial Economics* 50: 63–99.
45. Venkatesh, P. C., and R. Chiang. 1986. Information asymmetry and the dealer's bid-ask spread: A case study of earnings and dividend announcements. *Journal of Finance* 41: 1089–1102.
46. Watts, R. 2003. Conservatism in accounting Part I: Explanations and implications. *Accounting Horizons*17(3): 207–221.
47. Zhang, J. Y. 2008. The contracting benefits of accounting conservatism to lenders and borrowers. *Journal of Accounting and Economics* 25: 27–54.

**Trade Credit, Information Asymmetry, Cash Liquidity and Corporate Accounting Information Quality**

**Abstract**

Trade credit is one of the important new business issues for companies. In this research, we examine the relationship between Trade credibility, information asymmetry and the accounting information quality. The dependent variable is the corporate credibility and the independent variables is accounting information quality, information asymmetry, and liquidation cost. Research is in period between 1391 and 1395 for companies in Tehran Stock Exchange. We use a regression model and EVIEWS version 8 software to analyze three research hypotheses. The results of the analyzes indicate that there is a significant relationship between accounting information quality and degree of firms trade credit; also the results of the research show that the relationship between the quality of accounting information and the degree of corporate credit for companies with lower liquidity cost is lower. In addition, the results show that there is a significant relationship between information asymmetry and trade credit of firms.

**Keywords:** Corporate Reputation, Information Asymmetry, Accounting Information Quality, Cost of Liquidation, Tehran Stock Exchange.